

ملت سازی در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره)

غزاله طاهری عطار *

علی اصغر سعد آبادی **

علی اصغر پور عزت ***

پذیرش نهایی: ۹۲/۳/۷

دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۱۷

چکیده

اهتمام به ملت‌سازی مستلزم فراهم آوردن مجموعه عواملی است که ممکن است در هم‌افزایی خود به تحقق ملتی واحد بینجامد. یک ویژگی مهم فراگرد ملت‌سازی توسعه ارزش و هدفی مشترک است؛ هدفی دست‌یافتنی که از طریق ساماندهی خردمندان ملت، مقدمات کامیابی در تحقق آن فراهم شود. در این مسیر، امام خمینی الگویی از رهبر خردمند و تلاشگری را نمایان ساخت که بنابر تأیید صاحب‌نظران با اتکا بر ایمان و توان راهبری خویش و با الگوگیری از سنت معصومین علیهم السلام توانست ملت ایران را بسیج کند و متحد و هدفمند برای رسیدن به اهداف مشترک به بذل جان و مال برانگیزد. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از روش داده بنیاد، الزامات ملت‌سازی و بسیج ملت ایران در سیره حکمرانی ایشان رصد شود؛ لذا در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش اقدام‌پژوهی تاریخی و تفسیری، شاخصهای ملت‌سازی پایدار در اندیشه‌های امام خمینی (ره) مورد شناسایی و سپس کدهای اولیه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA چندین مرتبه مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفت و در نهایت ۲۰ مضمون پایه از مجموعه داده‌ها شناسایی شد. در پایان با مراجعه به خبرگان و استفاده از شیوه دلفی فازی، ضریب اهمیت و تأثیر این عوامل مورد بررسی و تأیید نهایی قرار گرفت.

کلید واژه‌ها: ملت در اندیشه امام خمینی (ره)، حکومت و ملیت در بیانات امام خمینی (ره)، ملت‌سازی براساس داده‌های دینی، حکمرانی اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، ملت‌سازی.

* gha_taheri@yahoo.com

** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

*** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشکده علوم و فنون نوین دانشگاه تهران

alisadabadi@ut.ac.ir

pourezzat@ut.ac.ir

*** استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

مقدمه

ملت سازی امری راهبردی است که نوعی نگاه آینده نگرانه و آینده پژوهانه در آن نهفته است. ملت سازی با هدف شکلدهی جامعه‌ای برتر و آرمانی انجام می‌پذیرد و جوهره آن بر تعریف هدفی مشترک مبتنی است؛ هدفی که فرد فرد جامعه به آن متعهد هستند و نظام ارزشی و ایمانی آنان، تحقق آن هدف را آسان می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد.

در این میان حضور رهبری فرزانه و متعهد به اهداف ارزشی جامعه، که از توان بسیاری در رهبری، هدایت، بسیج و متحد کردن ملت بهره مند باشد، فراگرد ملت سازی را آسان و تسهیل می‌کند بویژه رهبری مورد اعتماد عامه که بتواند الگویی مناسب را برای پیروی و حرکت امت به سوی اهداف ملی عرضه کند. البته هر چه این اهداف ارزشی تر ادارک شود، برانگیزاننده تر خواهد بود بویژه هنگامی که ظلم ستیزی، فقرزدایی و عدالت مداری را مدنظر عامه قرار دهد.

امام خمینی از توکل، اعتماد به نفس و استقلال شخصیتی بسیاری برخوردار بود و در همه فراز و نشیب‌های مبارزه، با توکل بر خدا و تکیه بر باورهای قلبی، نهضت ملت ایران را رهبری می‌کرد. او پیش از انقلاب در وضع خفقان بار آن دوران، دچار نومیدی و ارباب نشد و مصمم و محکم، مبارزه خویش را برای احیای ملتی خردمند و متحد پیگیری کرد و بدین ترتیب به شخصیتی جهانی تبدیل شد که علاوه بر ملت ایران به طور قابل توجهی، سایر ملت‌های مسلمان را در عرصه جهان تحت تأثیر قرار داد و بسیاری از گروه‌های سیاسی را به پیروی از خود برانگیخت. نکته قابل تأمل این است که در همه حال، بیشترین وجهه همت ایشان به وحدت کلمه و توسعه ملتی متحد معطوف بود.

از این رو، سؤالی شکل می‌گیرد مبنی بر اینکه الزامات ملت سازی و بسیج ملت ایران در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره) کدام است؟

بر این اساس، این پژوهش مترصد این است که با تحلیل داده بنیاد و واکاوی بیانات، اندیشه و اخلاق حکمرانی امام، راهبردهای ملت سازی ایشان را رصد و صورت بندی کند.

مرور ادبیات پژوهش

ملت واژه‌ای است مشتق از ریشه لاتین Natio به معنای دنیای مشترک و فعل Nascere به معنای زاده شدن، زایش و تولد (عالم، ۱۳۸۰: ۱۵۲). تا اواخر قرون وسطی و اوایل قرن بیست

میلادی، ملت به گروه همخونی اطلاق می‌شد که دارای اصل، تبار و نیای مشترک و واحد بودند (شمس و یزدانی، ۱۳۸۴: ۸۱). پس از آن با وقوع انقلاب سیاسی در انگلستان در سال ۱۶۸۸ میلادی و انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹، مفهوم نوینی از ملت رواج یافت. در چهارچوب این مفهوم جدید، ملت به مجموعه شهروندانی اطلاق می‌شد که دولت به مثابه نماینده سیاسی آنان، متولی اعمال حاکمیت بود (ولف^۱، ۱۹۹۲: ۱۰). پس از آن (قرن هجدهم)، مفهوم ملت توسعه چشمگیری یافت (قوام و زرگر، ۱۳۸۸: ۴۰). نظریه پردازان بسیاری به شکل‌های مختلف و از زوایای گوناگون ملت را تعریف کرده و بدین نحو بر پیچیدگی آن افزوده اند.

در تعریفی ساده، ملت گروهی اجتماعی است در بین گستره گوناگونی از دیگر گروه‌های اجتماعی (قوام و زرگر، ۱۳۸۸: ۴۰) ضمن اینکه ملت، نوعی از اجتماع انسانی است که به دلیل موطن و سرزمین مشترک، خاطرات، اسطوره‌ها و زبان مشترک، قابل بازشناسی است (نرمن^۲، ۲۰۰۶: ۴). آلتز معتقد است که ملت، هدف است نه واقعیت و اینکه ملت‌ها مخلوق دست پروردگار نیستند، بلکه طی فراگرد پیچیده آموزشی خلق می‌شوند (آلتز^۳، ۱۹۸۹: ۲۱).

رنان بر آن است که شکل‌گیری ملت، نتیجه همه‌پرسی تکراری و همه روزه^۴ است؛ هم‌چنین از نظر وی، مفهوم ملت متضمن نوعی همبستگی معنوی است که به دلیل آگاهی تاریخی متمایز، میراثی غنی از خاطرات و آرمانها و رضایت و تمایل اعضای جامعه به همزیستی در قالب هر ملت، ایجاد و حفظ می‌شود (پور عزت و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). در واقع رنان انگیزه و تمایل اعضای ملت را برای با هم بودن، اصل و اساس شکل‌گیری ملت می‌داند (قوام و زرگر، ۱۳۸۸: ۴۲). میلر نیز همچون رنان بر جنبه ذهنی ملت تأکید دارد و ملت را اجتماعی می‌داند که به دلیل مشترکاتی نظیر سرزمین، باورها، و تعهدات متقابل اعضایش، شکل می‌یابد و از طریق فرهنگی خاص خود از اجتماعات دیگر جدا و متمایز می‌شود (میلر^۵، ۱۹۹۵). گلنر نیز بر این است که ملت‌های کهن الگوهای وفاداری^۶، همبستگی، و مسئولیت مشترک^۷ بشریت هستند (گلنر^۸، ۱۹۸۳: ۷).

- 1 - Woolf
- 2 - Norman
- 3 - Alter
- 4 - an every-day plebiscite
- 5 - Miller
- 6 - loyalty
- 7 - solidarity
- 8 - Gellner

جان استوارت میل و رنان در قرن نوزدهم و وبر در اوایل قرن بیستم از صاحب‌نظرانی هستند که بر اهمیت ویژگیهای ذهنی ملت تأکید داشته‌اند. میل ملت را اجتماعاتی از تمایلات و احساسات^۱ می‌داند؛ بر اساس این تعریف اعضای هر ملت خود را به مثابه ملت در نظر می‌گیرند حتی اگر هرگز یکدیگر را ملاقات نکرده باشند (هیس باوم^۲، ۱۹۹۲: ۳۱).

هروک نیز ضمن تأکید همزمان بر جنبه ذهنی و عینی ملت، آن را گروه اجتماعی گسترده‌ای می‌داند که به دلیل ترکیبی از روابط عینی و متقابل (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی، و تاریخی) و بازتاب ذهنی این پیوندها در انظار عامه، سامان یافته است. در شاکله این ملت، چند رابطه غیر قابل جایگزین است: تاریخ و سرنوشت مشترک، زبان و فرهنگ، و برابری اعضا (هرچ^۳، ۱۹۹۶).

بنابراین تعاریف، ملت کلیتی است متشکل از عوامل و عناصر دوگانه:

الف) عناصر عینی و آفاقی که مشهود یا مشخص است و در تکامل و تطور ملت نقش دارد؛ عواملی نظیر زبان، پرچم، موسیقی و سرودهای ملی، آداب و رسوم، نژاد، قومیت، سرزمین و مذهب.

ب) عناصر ذهنی و روانی یا انفسی که برخلاف عناصر عینی، غیر ملموس و سنجش ناپذیر است؛ عواملی نظیر تاریخ، افسانه‌ها و اسطوره‌ها، نمادها، خاطرات، باورها و ارزشها، فرهنگ و بویژه امید به آینده مشترک.

در این امتداد قابل تأمل است که عوامل ذهنی در مقایسه با عوامل عینی در شکل‌گیری و تداوم موجودیت ملت اثرگذارتر است به گونه‌ای که حتی برخی از کشورهایی که عوامل عینی مشترک پر قوتی نداشته‌اند، توانسته‌اند با خلق عوامل ذهنی مشترک از طریق ساز و کارهایی نظیر تاریخ‌سازی و دشمن‌پردازی به ملتی منسجم و یکپارچه مبدل شوند.

همواره در تحلیل فراگرد ملت‌سازی این مهم مدنظر قرار می‌گیرد که عوامل اصلی انسجام بخش آحاد ملت کدام است (پور عزت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲).

از نظر برخی نظریه پردازان، عبارت ملت‌سازی به خلق هویتی فرهنگی اشاره دارد که به قلمرو

1 - communities of sentiment

2 - Hobsbawm

3 - Hroch

خاصی از دولت مرتبط است. بسیاری از صاحب نظران بر این توافق دارند که دولت خوب^۱ پیش شرط توسعه ملت است و در نتیجه بسیاری می‌پذیرند که دولت سازی جزء ضروری فراگرد ملت سازی است (دینن^۲، ۲۰۰۶).

از دیدگاه برخی دیگر، ملت سازی تلاشی است برای ساخت حکومتی واحد؛ حکومتی که صرف نظر از دموکراتیک بودن یا نبودن، یک ویژگی برجسته و متمایز کننده دارد: ویژگی ثبات؛ همان ثبات و پایداری که لازمه بقای همه سیستمهاست (کامارا^۳، ۲۰۰۷: ۱۵۷؛ هیپل^۴، ۲۰۰۰: ۹۶)؛ ثبات در ورای مقاطع زمانی.

توجه به این نکته نیز مهم است که مطابق با قوانین بین الملل، هر دولت - ملت مستقل نیازمند برخورداری از چند عامل است:

- قلمرو و سرزمینی مشخص و تعریف شده

- جمعیت

- حکومتی مستقل، اثربخش، فعال و کارآمد

- ظرفیت و توان لازم برای ورود و فعالیت در عرصه‌ها و روابط بین الملل (هیپل، ۲۰۰۰: ۱۰۸).

بویژه تأکید می‌شود که هویت هر دولت مستقل به وجود ملتی فعال در مرزهای محصور آن وابسته است (کامارا، ۲۰۰۷: ۱۵۶)؛ ملتی که در فراگرد ملت سازی تلاش می‌شود انسجام، وحدت، همبستگی، همسانی و تعلق خاطر و هویت‌یابی جمعی و تمایل به وحدت در آن نهادینه شود (آگوا^۵، ۱۹۹۷: ۳۳۵).

قابل تأمل است که در بسیاری از کشورهای نامتجانس و ناهمگون، ملت سازی و ارتقا سطح انسجام و اتحاد ملی به مقوله‌ای جنجالی و مناقشه آمیز مبدل می‌شود. متس (۱۹۹۹) بر این باور است که برای شکل‌گیری ملت، وفاداری به دولت و اصطلاح دولت - ملت بسیار مهمتر از وفاداری به گروه‌ها و احزاب سیاسی است (سعدآبادی و پور عزت، ۱۳۹۲: ۱۶). در جریان ملت سازی به اقوام، نژادها، قبیله‌ها و دیگر گروه‌های اجتماعی به مثابه سازه‌های ایجاد کننده اتحادی کلان، رسمیت

1 - Well-functioning state

2 - Dinnen

3 - Camara

4 - Hippel

5 - Aguwa

بخشیده می‌شود و خط‌مشی‌های چند فرهنگی تضمین‌کننده حقوق فرهنگی، ارزشی و هنجاری اقلیتها، مشروعیت می‌یابد (برنمن^۱، ۲۰۰۶: ۳۸۳). بنابراین ممکن است هر ملت در فضایی چندفرهنگی شکل بگیرد با این حال، نبودن باورها، ارزشها، آیینها، رسوم، مذاهب، و زبان مشترک و پافشاری اقوام شکل دهنده ملت بر حفظ زبان مادری و اجرای سنتها و آداب باستانی خود، همواره موجب نوعی ناهمسانی و تضعیف هویت مشترک و انسجام ملی می‌شود (کروگر^۲، ۱۹۹۸؛ آگوا، ۱۹۹۷)؛ از این رو ملت‌سازی باید با اتکا بر عواملی صورت پذیرد که اقوام گوناگون جامعه را گرد خود آورد. باید توجه کرد که تضعیف هویت ملی، ممکن است به بحران مشروعیت ملی مبدل شود بویژه در جوامع متکثر و ناهمگون، عدم تعلق به "دولت - ملت" واحد موجب می‌شود که هر قوم و گروهی در پی ارزشها و منافع خود باشد؛ بدین ترتیب وضعیتی ایجاد می‌شود که موجب متمایزسازی اقوام و شکل‌گیری نوعی رقابت مستمر در عرصه اجتماع می‌گردد و به بروز بحران مشروعیت می‌انجامد. در نتیجه تمایل به استقلال و خود مختاری، ساختار ذهنی ملت را تهدید می‌کند.

از این رو، گاهی ملت‌سازی در جوامع متکثر با دشواریهایی روبه رو می‌شود؛ زیرا در این جوامع معمولاً افراد به طور جبری به عضوی از جامعه مبدل می‌شوند؛ این وضعیت اجباری موقعیتی متزلزل را بر ساختار ملت تحمیل می‌کند؛ زیرا نمی‌تواند دلیل مناسب و موجهی را برای جلب وفاداری اقلیت متمایز جامعه در برداشته باشد؛ از این رو، همواره مستعد بروز تعارضات و کشمکش‌ها خواهد بود.

یک راه جلوگیری از بروز این گونه تعارضات، تلاش برای توسعه ملت بر محور فرهنگ و مجموعه ارزشی خاصی است که در جامعه نامتجانس و متکثر به طور نسبی مقبولیت همگانی دارد (لینبرگ^۳ و دون‌هیج^۴، ۱۹۹۶؛ ونتر^۵، ۱۹۹۹)؛ مثل تأکید بر دین اسلام در ایران؛ ضمن اینکه می‌توان با احترام به باورها، ارزشها و سنتهای گروه‌های تابعی که در مرزهای محصور هر کشور زندگی و فعالیت می‌کنند، هدفی واحد را سرلوحه عمل همه اتباع آن سرزمین و ملت قرار داد و با

1 - Bornman
2 - Kruger
3 - Liebenberg
4 - Duvenhage
5 - Venter

در نظر گرفتن مفهوم ملت - دولت و ملحقات آن از طریق ملی سازی اقوام به انسجام و وحدت دست یافت (ای جی^۱، ۱۹۹۷: ۹۷-۹۱)؛ وحدتی که لازمه آن مشارکت عامه است؛ مشارکتی ارزش محور و همه جانبه که آحاد جامعه را برای تحقق ارزشهایی همچون استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی (نلسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۱: ۶۵۵-۶۵۴) برانگیزاند.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، اکتشافی و از نوع تحلیل داده بنیاد است. روش پژوهش داده بنیاد به این منظور به کار گرفته شده است تا پژوهشگران را در تولید گزاره های برخاسته از داده یاری کند. در این روش بدون در نظر گرفتن هیچ گونه پیش فرضی، سلسله روشهای نظام یافته ای به کار گرفته می شود تا مقوله های اصلی و روابط منطقی میان آنها از میان داده ها و نیز از داده های در حال جمع آوری به دست آید؛ به همین دلیل در این روش، جمع آوری داده ها و تحلیل آنها دو فراگردی است که به موازات هم پیش می رود تا گزاره های حاصل به کفایت نظری برسد. نکته اصلی در این روش این است که اجازه می دهد نتایج مستقیمی از داده ها ساخته شود (میکس^۳، ۲۰۰۶). خود داده ها نیز از متن استخراج می شود. داده های این پژوهش، مقالات، کتابها و گزارشهای علمی و سازمانی هم چنین مجموعه ای از سخنرانیها، مصاحبه ها و آثار مکتوب بجا مانده از امام خمینی (ره) است که واقعیت خارجی تلقی شده، و از عالم ذهن به عین آمده است. همان طور که گلاسر^۴ و استراوس^۵ بیان کرده اند در نمونه گیری نظری، ضرورتا به یک نوع داده در مورد مقوله و یا یک نوع خاص روش برای جمع آوری داده ها اکتفا نمی شود، بلکه انواع گوناگون داده ها و دیدگاهها یا آرای علمی به پژوهشگر عرضه می شود تا از آن طریق بتواند یک مقوله را درک کند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳). در این روش، نمونه گیری تا حدی پیش می رود که اطلاعات جدیدی به دست نیاید (گلاسر، ۱۹۷۸ و ۱۹۶۷).

در این مقاله، صحیفه امام به مثابه مجموعه بیانات، سخنرانیها، و رهنمودهای امام و متن

1 - A. J

2 - Nelson et al

3 - Meeks

4 - Glaser

5 - Strauss

وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان، یک واحد تجزیه و تحلیل تلقی، و تحلیل شده است ضمن اینکه برای تحلیل داده بنیاد متون مورد نظر از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است.

از آنجا که بخش عمده این پژوهش، کتابخانه‌ای است، پژوهشگران از منابع گوناگون جمع‌آوری اطلاعات (کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نیز پایگاه اینترنت و نمایه) استفاده کرده‌اند. بر این اساس داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل انواع گوناگونی از داده‌های کیفی نظیر گفتگو، مشاهده، مصاحبه، گزارشهای عمومی، یادداشت‌های روزانه پاسخ دهندگان و تعاملات و تفکرات خود پژوهشگر است ضمن اینکه شیوه جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، روش مصاحبه عمیق و پرسشنامه هفت مقیاسی است. در این مطالعه، مصاحبه‌های عمیق با خبرگان به منزله روش اصلی گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. مصاحبه‌های اولیه به صورت کاملاً باز و ساختار نیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخهای سؤالات و کدگذاری مصاحبه‌های اولیه و یافتن سرنخهای بیشتر برای سؤالات بعدی، شکل سؤالات تاحدی تغییر کرد؛ هرچند تمام سؤالات مرتبط با موضوع و در چارچوب پی بردن به سؤالات اصلی تحقیق بود.

جامعه آماری این پژوهش، تمام خبرگان و متخصصان مدیریت دولتی، مطالعات سیاسی، دفاع ملی و خط‌مشی‌گذاری است که در این حیطه، صاحب تجربه، صاحب اثر پژوهشی یا کاربردی و صاحب نظرند. نمونه آماری پژوهش ۲۱ نفر از استادان با تجربه و صاحب‌نظر در حیطه‌های یاد شده از دانشگاه‌های تهران، علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه امام حسین علیه‌السلام هستند. پژوهش از حیث جهت‌گیری، بنیادی، و بر مبنای اهداف، اکتشافی است.

روش نمونه‌گیری تحقیق، روش گلوله برفی^۱ است. گلوله برفی روشی سودمند برای مطالعات کیفی و اکتشافی است. در این روش، نفر اول، شخص دوم را به پژوهشگر معرفی می‌کند و نفر بعدی نیز همین‌طور و این روند ادامه می‌یابد. نمونه‌گیری در این روش، هدفمند و راهبردی است و خبرگان بر اساس اهداف خاص تحقیق و راهبردهای حل مسئله انتخاب می‌شوند. در مرحله دوم به منظور جمع‌آوری آرای خبرگان برای اجرا در شیوه دلفی فازی از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

در طراحی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از مبانی نظری فارسی و لاتین و استفاده از نظر صاحب‌نظران و استادان محترم، عوامل بالقوه مرتبط با موضوع شناسایی و ابتدا پرسشنامه مقدماتی، و

1 - Snowball Sampling

پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه شد. در تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا (اعتبار محتوا) استفاده، و به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۲۸ پرسشنامه میان استادان دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و پیام نور پیش آزمون، و سپس با استفاده از داده‌های این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. از آنجا که ضرایب آلفای به دست آمده برای تک تک متغیرها و ابعاد محاسبه شده از ۰.۷ بزرگتر است (۷،۹۲) می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مورد استفاده، از توان اعتماد لازم برخوردار است.

پس از سه مرحله فراگرد دلفی فازی و شناسایی عوامل پژوهش، سؤال نهایی پرسشنامه بدین شکل مطرح شد:

از نظر شما هر یک از عوامل ذکر شده تا چه اندازه می‌تواند به مثابه یکی از شاخصهای ملت‌سازی پایدار در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مورد توجه قرار گیرد؟

روش دلفی فازی^۱

روش دلفی به منزله ابزاری کارا برای تعیین موضوعات مهم و اولویت‌بندی توصیفی این عوامل در تصمیم‌های مدیریتی شناخته شده است. این روش، حاصل مطالعاتی است که شرکت راند^۲ در دهه ۱۹۵۰ با هدف خلق روشی برای کسب اجماع بین متخصصان گروه انجام داده است (اوکولی^۳ و پاولفسکی^۴، ۲۰۰۴: ۲۱-۱۵).

روش سنتی دلفی، همیشه از همگرایی ضعیف نظر متخصصان، هزینه اجرایی زیاد و احتمال حذف نظر برخی از خبرگان، مورد انتقاد بوده است. موری^۵ و همکاران برای بهبود روش دلفی سنتی، مفهوم یکپارچه سازی روش دلفی سنتی با نظریه فازی را در سال ۱۹۸۵ عرضه کردند (اچسو^۶ و یانگ^۷، ۲۰۰۰: ۶۸).

- 1 - fuzzy Delphi
- 2 - Rand
- 3 - Okoli
- 4 - Pawlowski
- 5 - Mouri
- 6 - Hsu
- 7 - Yang

ایشیکاوا^۱ و همکاران کاربرد نظریه فازی را در روش دلفی بیشتر معرفی کردند و الگوریتم یکپارچه سازی فازی را توسعه دادند (کو^۲ و چن^۳، ۲۰۰۸: ۱۹۳۴). پس از آنها اچسو و یانگ^۴ عدد فازی مثلثی را برای دربرگرفتن نظر متخصصان و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند (اچسو و یانگ، ۲۰۰۰: ۶۹). در این پژوهش از روش دلفی فازی پیشنهاد شده بوسیله ایشیکاوا (۱۹۹۳) استفاده شد که از رایج ترین دلفی فازیهای مورد استفاده در سطح بین المللی است. الگوریتم اجرای روش دلفی فازی در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱ - الگوریتم اجرای روش دلفی فازی (میرزایی اهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۴)

- 1 - Ishikawa
- 2 - Kue
- 3 - Chen
- 4 - Yang

فرایند روش دلفی فازی

۱ - جمع‌آوری نظر گروه تصمیم^۱ (خبرگان)؛ بدین منظور از یک طیف هفت گزینه‌ای متغیرهای زبانشناختی^۲ استفاده شد. این طیف از گزینه کاملاً نامناسب تا گزینه کاملاً مناسب رده‌بندی شد.

۲ - تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی^۳؛ برای تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی از روش عرضه شده توسط کلیر و یوان^۴ (۱۹۹۵)، استفاده شد. پرسشنامه این پژوهش با هدف کسب نظر خبرگان درباره میزان موافقت آنها با عوامل و معیارهای الگو طراحی شده است؛ لذا خبرگان از طریق متغیرهای کلامی نظیر کاملاً نامناسب، نامناسب، ...، مناسب، کاملاً مناسب، رأی خود را ابراز کرده‌اند. از آنجا که ویژگی متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آنها نسبت به متغیرهای کیفی اثرگذار است با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به سؤالها پاسخ داده‌اند. این متغیرها با توجه به جدول ۱ به شکل اعداد فازی مثلثی تعریف شده است. جدول شماره ۱ بیانگر متغیرهای کلامی و عدد فازی مثلثی نظیر آن است.

جدول ۱ - اعداد فازی مثلثی متغیرهای کلامی

متغیر کلامی	عدد فازی مثلثی متناظر
کاملاً مناسب	(۹،۱۰،۱۰)
مناسب	(۷،۹،۱۰)
تا حدودی مناسب	(۵،۷،۹)
بی‌تأثیر	(۳،۵،۷)
تا حدودی نامناسب	(۱،۳،۵)
نامناسب	(۰،۱،۳)
کاملاً نامناسب	(۰،۰،۰)

-
- 1 - Decision group
 - 2 - Linguistic variables
 - 3 - Triangular fuzzy numbers
 - 4 - Klir & Yuan

۳- خلق عدد فازی مثلثی T_{ij} برای هر خبره؛ در هر معیار، T_{ij} بازتاب دهنده خبره مورد نظر به شرح زیر است:

$$T_{ij} = (L_{ij}, M_{ij}, U_{ij})$$

که در آن

$$L_{ij} = \text{Min}\{L_{ij}\} \quad \forall j$$

$$U_{ij} = \text{Max}\{U_{ij}\} \quad \forall j$$

$$M_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n M_{ij}}$$

اندیس i به خبره i و اندیس j به معیار j اشاره دارد به طوری که:

X_{ij} مقدار ارزیابی خبره i ام در معیار j ام است ($i = 1, 2, \dots, n$, $j = 1, 2, \dots, m$). میانگین هندسی M_{ij} در عدد فازی مثلثی برای اشاره به اجماع گروه متخصصان در مورد هر معیار به کار رفته است. اندازه حداکثر و حداقل نظرهای کارشناسی به مثابه دو نقطه پایانی اعداد فازی مثلثی استفاده می شود (چانگ^۱، ۱۹۹۸: ۸۳). اندازه حداکثر و حداقل آرای خبرگان، نماینده مناسبی برای کل دامنه تغییرات نیست (مایخالوف^۲، ۲۰۰۳: ۳۶۷) و دقت محاسبات را کاهش می دهد. برای رفع این کمبود در تجمیع نظر خبرگان از میانگین هندسی اندازه ابتدایی و انتهایی استفاده شد (دیویس^۳، ۱۹۹۴: ۵۲):

$$L_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n L_{ij}}$$

$$U_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n U_{ij}}$$

-
- 1 - Chang
2 - Mikhailov
3 - Davis

۴ - فازی زدایی کردن^۱؛ از فرمول نقطه ثقل مرکزی ساده^۲ برای فازی زدایی کردن استفاده شده است.

$$S_{ij} = \frac{L_{ij} + 4M_j + U_{ij}}{6}$$

به عنوان مثال، پس از حصول به اجماع حد پایین عامل عدد ۶، حد وسط عامل که از میانگین هندسی تمام حد وسط‌های خبرگان به دست آمده عدد ۷ و حد بالا عدد ۹ را به خود اختصاص داده‌اند؛ برای محاسبه S_{ij} داریم:

$$S_{ij} = \frac{6 + 4(7) + 9}{6} = 7.16$$

۵ - یک مقدار آستانه^۳ α را به منظور غربال کردن عوامل نامناسب انتخاب کنید.

الف) عامل تأثیرگذار پذیرفته می‌شود اگر:

$$S_{ij} \geq \alpha$$

ب) عامل تأثیرگذار پذیرفته نمی‌شود اگر:

$$S_{ij} < \alpha$$

اساساً مقدار آستانه با استنباط ذهنی تصمیم گیرنده معین می‌شود و مستقیماً بر تعداد عواملی تأثیر خواهد گذاشت که غربال می‌شود. هیچ راه ساده یا قانون کلی برای تعیین مقدار این آستانه وجود ندارد. چن و وانگ^۴، عدد ۷ را به مثابه حد آستانه در نظر گرفتند. در این پژوهش نیز عدد ۷ به منزله حد آستانه در نظر گرفته شد.

استراتژیهای ملت سازی در سیره اخلاقی امام (ره)

با تأمل در سخنان و نوشته‌های سیاسی امام خمینی، ملاحظه می‌شود که ایشان هنگام برخورد

-
- 1 - Defuzzification
 - 2 - Simple center of gravity
 - 3 - Threshold Value
 - 4 - Chen & Wang

با جامعه، بیش از هر چیز بر اهمیت وحدت کلمه و انسجام اجتماع و دوری جامعه از اختلاف تأکید داشته‌اند و می‌توان مجموعه‌ای از دلالتها و اشارات کلامی را مدنظر قرار داد که از طریق آنها برای تضمین وحدت و انسجام عمل عامه تلاش می‌کرده‌اند. برخی از مهمترین این اشاره‌ها و دلالتها در ذیل فهرست شده است:

۱. **قدر شناسی و سپاسگزاری از مردم** - در طول تاریخ بسیاری رهبرانی که پس از تکیه بر مسند قدرت، هم خدا را از یاد بردند و هم مردم را. ولی با تأملی در دیدگاه‌ها و سخنرانیهای امام خمینی ملاحظه می‌شود که ایشان تأکید زیادی بر قدردانی از گروه‌های متفاوت اجتماعی داشته‌اند. این سنت در اندیشه و باورهای مذهبی ایشان ریشه دارد؛ زیرا این سنت، سنتی الهی است. پروردگار عالمیان، گرچه قدیم الاحسان است با لطف و بزرگواری کارهای شایسته بندگان خود را احسان به راه خویش برمی‌شمرد و آنها را به بهترین وجه پاداش می‌دهد (المیزان، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۸۶). بندگان صالح خدا نیز نعمت هر نعمت دهنده‌ای را ارج می‌نهند!

الف) قدردانی از مردم. امام خمینی همواره بر قدردانی از آحاد جامعه جدیت داشته‌اند، اصناف گوناگون مردم را مد نظر قرار می‌دادند و در مناسبت‌های گوناگون با تعابیر زیبا و بدون مبالغه، ایثار، فداکاری و مقاومت ملت را ارج می‌نهادند؛ از جمله:

«باید گفت، انقلاب ایران بهترین انقلابی بوده است که در دنیا تا کنون پیدا شده است و نکته‌اش هم این است که ملت مسلمان، انقلاب کردند؛ انقلاب حزبی یا کودتای نظامی نبوده است؛ بلکه مال خود ملت بوده است و خود ملت قیام کرده است و خود ملت پیش برده است و طرف را شکست داده است و ملت هم ملت اسلامی بوده است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۶۸).

«ملت ایران را باید ما از آنها تشکر کنیم، ملت بیداری است، ملت هوشیار و مقاومی است در مقابل ظلم در عین حالی که این همه ظلم می‌بیند، این همه کشته می‌دهد در عین حال مقاومت می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱).

حتی در مواردی ملت انقلابی ایران را مایه افتخار جامعه اسلام می‌داند و اظهار می‌کند که به هم عصر بودن با چنین ملتی افتخار می‌کنم:

«من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عصر رسول الله صلی علیه و آله وسلم و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی

صلوات الله علیهما می باشند...» (وصیت نامه سیاسی الهی امام).
 «امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند ... اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم ...» (وصیت نامه سیاسی الهی امام).

نکته جالب توجه در همه این موارد، تأکید بر واژه "ملت" است.

ب) **قدردانی از شهیدان و مبارزان.** امام خمینی علاوه بر تشکر مکرر از آحاد ملت، خدمات برجسته و تلاشهای بی دریغ افراد و شخصیت ها را نیز به تناسب اهمیت آنها ارج می نهاد و با عطف و فروتنی از آنان سپاسگزاری می کرد. باید توجه کرد که بویژه قدردانی از شهیدان و رزمندگان بسیار حائز اهمیت بود؛ زیرا این گروه استوانه های بقای ملت و کشور به شمار می روند:
 «سلام بر شهدای پاسداران انقلاب اسلامی و تمامی نیروهای مسلح متعهد اسلامی، سلام بر خانواده های عزیر و قهرمان پرور آنان. درود خداوند بر خانواده های شهدایی که با صبر و شکیبایی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام، بزرگترین حماسه های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می کنند ... ملت شریف ایران از شما خانواده های عزیز شهدای پاسدار قدردانی می کند و بالاتر از این، تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند نصیب شما و همه شهدای اسلام و وابستگان آنان خواهد شد ... اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می دانم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت می نمایم...» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۱۱).

قابل تأمل است که در این جملات ضمن تأکید بر رشادت رزمندگان، کل ملت در برابر آنها مدیون و متعهد انگاشته شده اند.

ایشان طی جنگ نیز در هر مناسبتی رشادتهای قوای اسلام را ارج می نهاد و با بهترین تعبیرها از آنان قدردانی می نمود؛ از جمله پس از فتح قله های "الله اکبر" توسط رزمندگان اسلام، طی تلگرافی به رئیس جمهور از آنان چنین قدردانی کرد:

«جناب آقای رئیس جمهور، مراتب تقدیر اینجانب در تصرف ارتفاعات "الله اکبر" و به اسارت

گرفتن شمار کثیری از دشمنان اسلام را به نیروهای مسلح و فرماندهان محترم آنان که با هماهنگی و انسجام، پیرومندان بر قوای شیطانی غلبه کردند، ابلاغ نمایید. مطمئن باشید و باشند که با حفظ وحدت و هماهنگی و اتکای به خداوند تعالی، پیروزی نهایی از آن نیروهای اسلامی است. خداوند متعال، پشت و پناهتان باشد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۴: ۲۲۹).

ایشان هم چنین تأکید می نمود:

«به مجلس و دولت و دست اندرکاران، توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان، خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان، که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی، رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید» (وصیت نامه سیاسی الهی امام).

با دقت در این جملات ملاحظه می شود که کل ملت در برابر رزمندگان و شهیدان، و مجموعه کارگزاران در برابر ملت مسئول و مدیون تلقی می شوند.

۲. مردم‌داری و همراهی با مردم - رکن و ستون پایه بقای هر حکومتی، آحاد جامعه و در یک کلام مردمند. همکاری، همدلی و پشتیبانی مردم از حکومت، موجب تحکیم پایه‌های آن، و بالعکس هر گونه احساس بی عدالتی به عدم رضایت مردم، و از هم گسیختگی ملت منجر می شود و موجبات تضعیف و اضمحلال حکومت را فراهم می سازد. چه بسا ملت‌هایی که در هنگامه ناملایمات، سست شده و فقط به منافع شخصی خویش اندیشیده‌اند و چه بسا حکومتها و تمدن‌هایی که به دلیل نارضایتی، عدم حمایت و عدم برخورداری مردمشان از هویت ملی، تسلیم غاصبان شده به تاریخ پیوسته‌اند (طاهری عطار، ۱۳۸۵: ۱۲). رابطه حمایتی رهبری و ملت رابطه‌ای دوسویه است که در صورت اهتمام متقابل پایدار می ماند.

خیرخواهی و مردم‌داری، دو ویژگی ضروری برای حاکمند؛ حاکمی که صادقانه با مردم رو به رو می شود و امکان مراوده با آنان را فراهم می سازد و در جریان این مراوده، منافع ملت را تأمین و موانع خدمت رسانی به جامعه را برطرف می کند؛ بدین ترتیب فضایی ایجاد می شود که گاهی صرفاً با ابلاغ یک پیام غیرمستقیم، بخش قابل توجهی از مشکلات اجتماعی حل می شود. چنین روشی در سنت رهبری امام خمینی بسیار محسوس بود.

امام هم چنین از مردم با عنوان ولی نعمت خود یاد، و خود را خدمتگزار آنان معرفی می کرد و غم آنها را بزرگ می شمرد:

«من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خود را از دست داده اند می افتد، سنگینی در دوشم پیدا می شود که نمی توانم تاب بیاورم، من نمی توانم از عهده این خسارت - که بر ملت ما وارد شده - بر آییم، من نمی توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیزش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۳).

«ما زجرمان، زجر این ملت است؛ من وقتی صورت این مردهایی که بچه هایشان، پسرهایشان را کشته اند در ذهنم می آید، زجر می برم. من وقتی این مادری که یقه اش را پاره می کند در مقابل این چیزها که بیایید من را بکشید، شما که جوان من را کشتید، این زجر می دهد ما را» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۴۹).

«اینک من به همه عزیزانی که خانه و کاشانه و جگرگوشگان خود را در این حوادث و میدان کارزار از دست داده اند، عرض می کنم که یقیناً شما احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درک می کنید که من ویرانی خانه های شما را ویرانی خانه خود، و شهادت و جراحت عزیزان و فرزندان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود می دانم و با شما هستم و شما را به صبر و مقاومت سفارش می کنم» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰: ۶۰).

این سخنان در تأمین نوعی روحیه و همدلی میان رهبر و جامعه بسیار اثربخش و مؤثر بود.

۳. تقویت خود باوری و روحیه ملی - یکی از ارکان مهم در فراگرد ملت سازی تقویت روحیه خودباوری در میان آحاد ملت است. در بسیاری از موارد مشاهده می شد که امام خمینی چنین تأکیدی کرده اند:

«باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازار پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خود خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد در درازمدت، قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسانهای شیهه به اینان به آن رسیده اند، شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکای به نفس و قطع وابستگی

به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب» (وصیت نامه سیاسی الهی امام).

«حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله گران تاریخ را خنثی می‌کند. حضور شما در صحنه است که گرد یأس و درماندگی بر چهره‌های منافقین و متحدان بی‌آبرویش می‌باشد. حضور شما مردم شجاع و با ایمان است که خط اصیل اسلام را بر ایران و به امید خدا بر جهان حاکم خواهد نمود. حضور شما مردم مؤمن و از جان گذشته است که روشنفکران غرب و شرق را برای همیشه رسوا می‌کند. حضور شما در صحنه، تمام من‌ها و منیت‌های شیطانی را کوبیده و می‌کوبد و ما و اخوت اسلامی را جایگزین آن نموده و می‌نماید...» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۳ تا ۲۲).

امام در ادامه ضمن گوشزد کردن آثار خود باوری و مشارکت فعال ملی از آحاد ملت می‌خواهد که هرگز صحنه انقلاب را ترک نکنند و مسئولان را تنها نگذارند:

«دوستان عزیزم! بسیار دقت کنید و کاملاً به هوش باشید و هوشیارانه با آرامش کامل ولی با تمام توان در صحنه باشید که بی شما هیچ کس، هیچ نمی‌تواند کند و با شما، همه دشمنان رسول اکرم و ائمه اطهار نابود خواهند شد... خمینی دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خود می‌داند که بارها گفته‌ام، من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست...» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۲۳).

"بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است" (وصیت نامه سیاسی الهی امام).

ملاحظه می‌شود که امام در تأمین وحدت کلمه، چنان جدی است که حتی نقش رهبری را نیز مستقر در بافت ملت می‌داند و شأنی هولوغرافیک و همه گیر برای آن قائل است. گویا هر شخص از این ملت که در کاری پیش می‌افتد به اخلاص سبقت می‌گیرد؛ رهبری پیشه می‌کند و بقیه اعضای ملت، از جمله رهبر رسمی، پیرو او می‌شوند.

یافته‌های پژوهش و عوامل استخراج شده

در گام نخست، طی فراگرد گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته با خبرگان منتخب، داده‌های اولیه پژوهش (معطوف به شناسایی عوامل ملت‌سازی در اندیشه‌های امام خمینی قدس سره) گردآوری شد. در گام دوم، متن پیاده شده مصاحبه‌ها چندین مرتبه مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و ۸۱ کد اولیه شناسایی و استخراج شد؛ سپس کدهای اولیه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA چندین مرتبه مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفت و در نهایت ۲۰ مضمون پایه از مجموعه داده‌ها شناسایی، و شبکه مضامین به صورت ذیل استخراج شد (جدول ۲).

جدول ۲ - مفاهیم و گزاره‌های مبنایی ملت‌سازی در پرتو اندیشه‌های امام خمینی (ره)

ردیف	مفاهیم و گزاره‌های مبنایی	ردیف	مفاهیم و گزاره‌های مبنایی	ردیف	مفاهیم و گزاره‌های مبنایی	ردیف	مفاهیم و گزاره‌های مبنایی
۱	تقویت خودباوری	۶	تعهد متقابل آحاد جامعه	۱۱	نفی نژاد و قومیت‌گرایی	۱۶	حاکمیت‌گفتمان و پرهیز از خشونت
۲	پرهیز از تفرقه	۷	تعهد مردم به شهیدان و جانبازان	۱۲	تقوا	۱۷	اصل مشروعیت نظام
۳	شهید پروری و مجاهدت	۸	تعهد کارگزاران به آحاد ملت	۱۳	اخلاص	۱۸	پرهیز از نیرنگ در سیاست
۴	احساس هویت مشترک	۹	محوریت اخلاق	۱۴	رضایت توده مردم	۱۹	توسعه مشارکت اجتماعی
۵	وحدت کلمه	۱۰	مردم‌محوری	۱۵	نگرش به پست و مقام به مثابه امانت و تعهد الهی	۲۰	پایبندی به اصول اسلامی

ارزیابی یافته‌ها از طریق رجوع به خبرگان

در این پژوهش، پژوهشگران تلاش کردند تا تعدادی از شاخصهای ملت‌سازی پایدار را از دیدگاه امام خمینی (ره) بر مبنای مباحث مطرح شده استنباط کنند تا این عوامل را با مراجعه به خبرگان و استفاده از شیوه دلفی با رویکرد فازی، مورد سنجش قرار دهند و این فراگرد را تا حدی ادامه دهند که اجماع نظر خبرگان درباره گزاره‌های عقلانی طراحی شده به دست آید. پس از جمع‌آوری آرای خبرگان و اجرای فراگرد دلفی فازی، نهایتاً اجماع، و نتایج به شرح جدول شماره ۳ به دست آمد:

جدول ۳ - میانگین آرای خبرگان در مرحله نهایی فراگرد دلفی فازی

ردیف	شاخص	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد وسط عدد مثلثی فازی	میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی	عدد فازی زدایی شده
۱	وحدت کلمه	۹	۱۰	۱۰	۹.۸۳۳
۲	رضایت توده مردم	۸.۷۹۷	۹.۹۰۵	۱۰	۹.۷۳۶
۳	اصل مشروعیت نظام	۸.۷۹۷	۹.۹۰۵	۱۰	۹.۷۳۶
۴	تقوا	۸.۵۹۸	۹.۸۱۰	۱۰	۹.۶۴۰
۵	مردم‌محوری	۸.۴۰۴	۹.۷۱۷	۱۰	۹.۵۴۵
۶	شهید پروری و مجاهدت	۸.۲۱۴	۹.۶۲۴	۱۰	۹.۴۵۲
۷	احساس هویت مشترک	۸.۲۱۴	۹.۶۲۴	۱۰	۹.۴۵۲
۸	نفی نژاد و قومیت	۸.۲۱۴	۹.۶۲۴	۱۰	۹.۴۵۲
۹	پرهیز از تفرقه	۷.۸۴۷	۹.۴۴۱	۱۰	۹.۲۶۹
۱۰	اخلاص	۷.۸۴۷	۹.۴۴۱	۱۰	۹.۲۶۹
۱۱	نگرش به پست و مقام به مثابه امانت و تعهد الهی	۷.۶۷۰	۹.۳۵۱	۱۰	۹.۱۷۹
۱۲	تعهد مردم به شهیدان و جانبازان	۷.۷۸۷	۹.۳۱۷	۹.۹۰۵	۹.۱۶۰
۱۳	پرهیز از نیرنگ در سیاست	۶.۹۴۶	۸.۸۸۱	۹.۹۰۵	۸.۷۲۹
۱۴	تعهد متقابل آحاد جامعه	۶.۷۳۷	۸.۶۸۱	۹.۸۱۰	۸.۵۴۵
۱۵	تعهد کارگزاران به آحاد ملت	۶.۸۳۹	۸.۶۴۹	۹.۷۱۷	۸.۵۲۵
۱۶	پابندی به اصول اسلامی	۶.۷۸۷	۸.۵۳۵	۹.۶۲۴	۸.۴۲۵
۱۷	محوریت اخلاق	۶.۴۸۳	۸.۳۷۳	۹.۶۲۴	۸.۲۶۶
۱۸	توسعه مشارکت اجتماعی	۵.۹۵۴	۷.۹۸۱	۹.۲۸۳	۷.۸۶۰
۱۹	حاکمیت گفت‌وگو و پرهیز از خشونت	۵.۹۶۱	۷.۹۲۳	۹.۴۴۱	۷.۸۴۹
۲۰	تقویت خودباوری	۵.۵۶۲	۷.۶۱۱	۹.۲۲۸	۷.۵۳۹

میانگین فازی زدایی شده (d_{ij}) تمام عوامل از عدد آستانه (۸) بزرگتر است، پس می‌توان نتیجه گرفت که تمام عوامل می‌تواند به مثابه عوامل ملت‌سازی پایدار از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد تفقد قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

آحاد هر ملت با انگیزه‌های متعدد دور هم جمع می‌شوند و وضعیتی را می‌پذیرند که به موجب آن به طور نسبی با سرنوشت مشترک، زبان مشترک، مذهب مشترک، دشمن مشترک و آداب و رسوم مشترک شناخته می‌شوند؛ ولی گویا مهمترین عاملی که هر ملت را متحد می‌سازد و حفظ می‌کند، هدف مشترک و مقصد و راهی است که به پیروی از رهبران خود طی می‌کند. نگاه امیدوار به آینده و هدفی که در سایه رهروی از رهبری کاردان و دور اندیش دنبال می‌شود جوامع پراکنده را گرد هم می‌آورد و از توده‌های پراکنده، ملتی هدفمند می‌سازد؛ بنابراین وجود رهبر از مهمترین عوامل شکل‌دهنده هر ملت به شمار می‌رود. رهبری با درایت، دور اندیش و دلسوز که به هدف مشترک ملت متعهد باشد و جامعه را برای رسیدن به آن بسیج نماید و امکان اتحاد آنان را فراهم آورد؛ در غیر این صورت ملت پدید نمی‌آید، بلکه تجمعی پراکنده از آدمیان بر جای می‌ماند.

از این رو تحلیل داده بنیاد کلام امام خمینی به منزله یکی از حادثه‌سازترین رهبران قرن بیستم بسیار حائز اهمیت و عبرت آموز است. با مذاقه در محتوای کلام ایشان ملاحظه می‌شود که تعبیرهایی چون ملت ایران، مردم، و وحدت کلمه در موارد بسیاری استفاده، و بارها بر مسئولیت مشترک عامه مردم و تعلق حکومت به آنان تأکید شده است.

سیره امام، دلالت بر نوعی بصیرت عمیق نسبت به آینده دارد؛ چنانکه با شکست در جریان پانزده خرداد ۱۳۴۲ و تسلط شاه بر کارها، استراتژی ایشان با صلابت و معطوف به آینده دنبال، و به پیروزی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ختم شد به طوری که در این مسیر ملتی شکل گرفت که هویتی متمایز را با همه ملت‌های پیش از خود در تاریخ ایران به نمایش گذارد تا حدی که می‌توان ادعا کرد گویا از مجموعه ملت موجود، موقتاً ملتی فرهیخته و خردمند شکل گرفت که در برهه‌ای از زمان اولویتهای خود را بدرستی تشخیص می‌داد و مستعد فداکاری و جان‌بازی برای رسیدن به اهداف مشترک بود.

بدون شک جانمایه اصلی کلام امام، مباحث اصیل و عمیق برخاسته از کتاب خدا و سنت معصوم بود. ولی بیان این مباحث به زبان عامه، موجب همدلی، احساس هویت، یکپارچگی و هدفمندی مردم شد. تأکید ایشان بر اینکه "مجلس در رأس همه امور است" و "میزان رأی ملت است" در کنار جملائی دال بر اینکه "جنگ در رأس همه امور است"، حکایت از تسلط ایشان بر امور کشور و تلاش برای هدفگذاری مقطعی (پیروزی در جنگ) از طریق فراگردهای دائمی ضامن پیروزی (سپردن کار به مردم و نمایندگان آنان) داشت.

ملت در برابر این سخنان احساس هویت می‌کرد؛ جامعه را متعلق به خود می‌دانست؛ رهبر و امام خویش را در زهدی متمایز با رهبران سایر کشورهای جهان می‌یافت و حد قابل قبولی از تمایل به عدالت خواهی را در فراگرد کلی اداره امور کشور احساس، و لاقبل باور می‌کرد که رهبر این حکومت به هیچ وجه راضی نیست که به شخصی از آحاد جامعه در کمترین حد ممکن، ظلم شود. بر این اساس، ملت منسجم شد و رسیدن به اهداف مشترک خود را در جهاد دفاعی، سازندگی و علمی با همدلی و ممارستی بی نظیر (نسبت به دوران پیش از انقلاب و پس از جنگ) رقم زد.

نکته بسیار مهم در این سنت ملت‌سازی، تأکید بر تقوا، وحدت و اخلاص و یکی شدن در راه خدا به جای تأکید بر قومیت و حتی ایرانیت بود. این سنت را می‌توان در امتداد سنت‌های نبوی و علوی رصد کرد. سنت‌هایی که از ملتها واقوام متفرق عربی، ایرانی و رومی، و افریقایی تبار، ملتی منسجم برپا داشت؛ ملتی که رمز برتری و تعالی در آن فقط تقوی بود در حالی که در سنت دیگرانی چون معاویه، عربیت و عصبیت عربی و قبیله‌گرایی و تبارپرستی خودنمایی می‌کرد و شاخص و عامل رشد در جامعه به شمار می‌رفت.

سنت رهبری امام خمینی، بی هیچ تردید، ملهم از سنت رهبری اهل بیت بود؛ هر چند بر حسب مقتضیات زمانی و مکانی، الزامات جدید بر آن سنت افزوده شده بود.

با رجوع به خبرگان، ظرفیت انگاره‌پردازی از ملت‌سازی پایدار در اندیشه‌های امام خمینی (ره) مورد تأیید قرار گرفت و موارد ذیل به مثابه مهمترین شاخصهای ملت‌سازی پایدار از دیدگاه ایشان فهرست شد (جدول شماره ۴):

جدول ۴ - شاخصهای ملت سازی پایدار در پرتو اندیشه‌های امام خمینی (ره)

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص	ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	وحدت کلمه	۶	شهید پروری و مجاهدت	۱۱	نگرش به پست و مقام به مثابه امانت و تعهد الهی	۱۶	پابندی به اصول اسلامی
۲	رضایت توده مردم	۷	احساس هویت مشترک	۱۲	تعهد مردم به شهیدان و جانبازان	۱۷	محوریت اخلاق
۳	اصل مشروعیت نظام	۸	نفی نژاد و قومیت	۱۳	پرهیز از نیرنگ در سیاست	۱۸	توسعه مشارکت اجتماعی
۴	تقوا	۹	پرهیز از تفرقه	۱۴	تعهد متقابل آحاد جامعه	۱۹	حاکمیت گفتمان و پرهیز از خشونت
۵	مردم‌محوری	۱۰	اخلاص	۱۵	تعهد کارگزاران به آحاد ملت	۲۰	تقویت خودباوری

برای شناخت بهتر روش امام خمینی در راهبری آحاد ملت و به سرانجام رسانیدن فراگرد ملت سازی، مقایسه سبک ایشان با دانش و اندیشه‌های مدرن ملت سازی، ضروری است.

جدول ۵ - مقایسه شاخصهای ملت سازی پایدار در دانش مدرن و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

عوامل ملت‌ساز در دانش مدرن ملت سازی	عوامل ملت سازی در اندیشه و سبک حکمرانی امام خمینی	نتیجه بررسی و مقایسه
هویت مشترک / سرزمین مشترک / تاریخ مشترک / زبان مشترک / پرچم مشترک / فرهنگ مشترک / دشمن مشترک / سرود ملی / دین مشترک	رضایت و مشارکت آحاد ملت تحقق اصل عدالت و اخلاق مداری تعهد متقابل دولت و ملت تحقق عدالت میان قومی تکریم فرهنگ ایثار و شهادت	تأکید اصل اندیشه‌های مدرن ملت سازی بر وجوه عینیت یافته ملت است در حالی که در امام خمینی (ره) ضمن تأکید همزمان بر وجوه عینی و ذهنی ملت، تأکیدی مستمر بر وجوه ذهنی ملت دارند.

بر اساس مقایسه شاخصهای فراگرد ملت سازی در اندیشه‌های مدرن و شاخصترین عوامل پنهان در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره) در باب ملت سازی، می‌توان گفت که در بیشتر نظریه‌ها در دانش مدرن ملت سازی عمدتاً بر وجوه عینیت یافته این فراگرد تأکید شده است؛ عواملی نظیر سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، پرچم و سرود ملی، دشمن مشترک و غیره در حالی که امام خمینی (ره) به مثابه رهبری خردمند و تلاشگر و یکی از اثرگذارترین ملت سازان قرن

بیست و یکم با تأکید مستمر بر نقش آحاد ملت به مثابه مالکان اصلی کشور و رضایت ایشان، ملتی هدفمند را بر اساس اصل عدالت، اخلاق مداری، مشارکت و تعهد متقابل دولت و ملت شکل داده و صورت‌بندی کرد.

بر این اساس امام خمینی (ره) ضمن تأمل و تأکید توأمان بر وجوه ذهنی و عینی ملت با تأکید مستمر بر هدف و آرمانی مشترک، و مجموعه‌ای از ارزشهای معنوی مشترک، که هر وجدان بیدار و عدالت خواهی خواهان اجرایی ساختن آن است، آحاد ملت را بیدار کردند و آنان را به طی طریق در مسیر وحدت و مودت ملی رهنمون شدند؛ دعوتی که استمرار دارد و همه نسلهای ایران اسلامی را مخاطب قرار داده است.

منابع فارسی

- امام خمینی، روح اله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- پورعزت، علی اصغر؛ سعدآبادی، علی اصغر؛ عبدالحمید، مهدی (۱۳۹۱). کاربست تفکر سازمانی در تصویربرداری از مختصات سازمان ایثارگر مبتنی بر رویکرد اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انتظامی. س هشتم. ش ۱: ۳۲-۷.
- پورعزت، علی اصغر؛ طاهری عطار، غزاله؛ سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۱). راهبری راهبرد ملت‌سازی پایدار مبتنی بر عدالت اجتماعی. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ش ۱۱: ۲۲-۱.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار.
- سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). ویژگی‌های حکومت توسعه‌یافته در پرتو رهنمودهای امام علی علیه‌السلام. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه علوی. سال چهارم. ش ۸: ۳۴-۱۴.
- شمس، اسماعیل؛ یزدانی، سهراب (۱۳۸۴). بررسی مفهوم ایران زمین و نقش آن در علت وجودی دولت - ملت ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۹. ش ۱: ۹۸-۷۷.
- طاهری عطار، غزاله (۱۳۸۵). بررسی نقش عدالت در بقا و فروپاشی مدیریت دولت‌ها (مطالعه موردی: دوره هخامنشیان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). المیزان (دورهٔ چهل جلدی). ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: کانون انتشارات محمدی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.

قوام، عبدالعلی؛ زرگر افشین (۱۳۸۸). دولت‌سازی، ملت‌سازی و نظریه روابط بین‌الملل. تهران: دانشگاه آزاد علوم تحقیقات.
میرزایی اهرنجان، حسن؛ طالقانی، غلامرضا؛ سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). مدیریت توسعه و عمران روستایی. تهران: آذرین مهر.

منابع انگلیسی

- A.J. Christopher (1997). "Nation-states', 'quasi-states', and 'collapsed-states' in contemporary Africa". *Geo Journal*, Vol 43: 91-97.
- Aguwa, Jude C. (1997). "Religious Conflict in Nigeria: impact on Nation Building". *Dialectical Anthropology*, Vol 22: 335-351.
- Alter, P. (1989) *Nationalism*, London, Edward Arnold.
- Baltar, Fabiola, Ignasi Brunet, (2012), "Social research 2.0: virtual snowball sampling method using Facebook", *Internet Research*. 22 (1): 57 – 74.
- Bornman, Elirea (2006). "National symbols and nation-building in the post-apartheid South Africa". *International Journal of Intercultural Relations*, Vol 30: 383-399.
- Camara, Mohamed Saliou (2007). "Nation building and the politics of Islamic internationalism in Guinea: toward an understanding of Muslims' experience of globalization in Africa". *Cont Islam*, Vol 1: 155-172
- Chang, Y. H. (1998). *Transportation plan appraisal and decision making-discussion and application of the fuzzy theory*, Hwatai, Taipei.
- Davies, M.A.P.(1994). "A Multicriteria Decision Model Application for Managing Group Decisions". *The Journal of the Operational Research Society*, Vol 45: 47-58.
- Dinnen, S. (2006). *Nation-building Concepts Paper*. Draft paper for AusAID.
- Gellner, Ernest (1983). *Nations and Nationalism*. Oxford: Basil Blackwell.
- Glaser, B. & A. L. Strauss. (1967). *The Discovery of Grounded Theory*. Ney York. Aldine.
- Glaser, B. (1978). *The Oretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory*. California. Sociology Press.
- Haywood, Andrew (2000). *Key concepts in politics*. plagrave.
- Hippel, Karin von (2000). "Democracy by Force: A Renewed Commitment to Nation Building". *The Washington Quarterly*, Vol 23 No 1: 95-112.
- Hobsbawm, E. J. (1992). *Nations and Nationalism since 1780: Programme, Myth, Reality*. Cambridge University Press.
- Hroch, Miroslav (1996). "From National Movement to the Fully-formed Nation: The Nation-Building Process in Europe". *Mapping the Nation*. New Left Books.
- Hsu T.H., Yang, T.H.; (2000) "Application of fuzzy analytic hierarchy process in the selection of advertising media". *Journal of Management and Systems*, Vol 7: 583-99.
- Ishikawa, A. Amagasa, M. Shiga, T. Tomizawa, G. Tatsuta, R. & Mieno, H. (1993). *The max-min Delphi method and fuzzy Delphi method via fuzzy integration*. *Fuzzy Sets and Systems*, Vol 55: 241-53.
- Klir, G. & Yuan, B. (1995). *Fuzzy sets and fuzzy logic – Theory and application*. New Jersey: Prentice-Hall Inc.
- Krüger, Fred W., (1998). "Identity building and social transformation: the cases of Namibia and Botswana compared". *GeoJournal*, Vol 46: 79-87.
- Kuo Y.-F., Chen P. C.; (2008). "Constructing performance appraisal indicators for mobility of the service industries using fuzzy delphi method" *Journal of Expert Systems with Applications*, Vol 35: 1930-39.

- Liebenberg, I. & Duvenhage, P. (1996). "Can the deep political divisions of South African society be healed? A philosophical and political perspective". **Politeia**, Vol 15 No 1: 48-62.
- Meeks, M. (2006). **Grounded Theory**. San Francisco University Press.
- Mikhailov, L. (2003). "Deriving priorities from fuzzy pairwise comparison judgements". **Fuzzy Sets and Systems**, Vol 134: 365-385.
- Miller, David (1995). **On Nationality**. Oxford University Press.
- Nelson, Geoffrey; Prilleltensky, Isaac & MacGillivray, Heather (2001). "Building Value-Based Partnerships: Toward Solidarity with Oppressed Groups". **American Journal of Community Psychology**, Vol 29 No 5: 649-677.
- Norman, Wayne (2006). **Negotiating Nationalism- Nation-building, Federalism, and Secession in the Multinational State**. Oxford University Press.
- Okoli C., Pawlowski, S.D.; (2004). "The Delphi method as a research tool: an example, design considerations and applications". **Information and Management**, Vol 42: 15-29.
- Venter, A. (1999). "Nasionale identiteitsvraagstuk in postapartheid-Suid-Afrika (National identity issues in post-apartheid South Africa)". **Tydskrif vir Geestewetenskappe**, Vol 39 No 1: 22-38.
- Woolf, Virginia (1992). **A Room of One's Own**. Oxford University Press.

